

گفت و گوی شهرگان با دکتر هوشنگ امیراحمدی

خسرو شمیرانی / شهرگان | Oct, 2007 15:48:00 11 | تعداد خوانندگان 208

مَدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه نیوجرسی:

هیبری کلینتون دودوزه باز و در جناح جنگ طلبان است

گفت‌وگو: خسرو شمیرانی

shemiranie@yahoo.com



در روز 8 اکتبر 2007 ژنرال دیوید پتریوس فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در عراق در یک سخنرانی در در یک پایگاه نظامی در نزدیکی مرز ایران - عراق اعلام کرد که حسن کاظمی قمی، سفیر ایران در عراق از افسران ارشد سپاه قدس است. او در این سخنرانی به تفصیل به نقش سپاه قدس در جنایات جاری در عراق پرداخته و سپاه قدس را برای قتل صدها سرباز آمریکایی مسؤل شناخت. به این ترتیب بالاترین مقام نظامی آمریکا در عراق در عمل بالاترین مقام دیپلماتیک ایران در عراق، حسن کاظمی قمی را تروریست می نامد و بحث جایگاه تروریستی سپاه پاسداران ابعاد نوینی به خود می گیرد.

دولت احمدی نژاد که همواره بحث های مربوط به احتمال حمله آمریکا به ایران را "جنگ روانی" برشمرده است این اتهام را نیز در ردیف جنگ روانی شمرد.

شهرگان در ادامه گفت و گوهای خود با متخصصان، در پیوند با مصوبه غیرالزام آور سنای آمریکا مبنی بر تروریست بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با دکتر هوشنگ امیر احمدی گفت و گو کرد.

آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی، رئیس شورای آمریکاییان و ایرانیان (ای.ای.سی) ((1))، استاد دانشگاه راتگرز و مَدیر مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه با اشاره به اینکه احتمالاً بزودی لیست سازمانهای تروریستی وزارت خارجه آمریکا میزبان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود، این امر را بهانه ای برای برخورد نظامی با ایران عنوان می کند.

هوشنگ امیراحمدی در رشته "برنامه ریزی و توسعه بین المللی" از دانشگاه کُرنل در ایالت نیویورک، در مقطع دکترا فارغ التحصیل شد. او اکنون در دانشگاه ایالتی نیوجرسی، راتگرز، تدریس می کند و مَدیریت مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه را به عهده دارد. او همچنین بنیانگذار و رئیس شورای آمریکائیان و ایرانیان (American Iranian Council) است. از دکتر امیراحمدی بیش از بیست و پنج کتاب، از جمله پانزده عنوان در مورد رابطه ایران و آمریکا، منتشر شده است.

«خ.ش»

شهرگان: آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی، شما با سیاستمداران و سیاست سازان آمریکایی در تماس هستید. کدام انگیزه سبب شد آنها لایحه تروریستی خواندن سپاه پاسداران را تصویب کنند؟

دکتر هوشنگ امیراحمدی: انگیزه اول آنها افزایش فشار روانی و انگیزه دوم زمینه سازی برای یک برخورد نظامی احتمالی با ایران است. وقتی سپاه پاسداران که ارتش رسمی دولت جمهوری اسلامی است تروریست خوانده شود آنوقت آمریکا که در عمل و در نظر با تروریسم جهانی در نبرد است خود بخود با جمهوری اسلامی هم در نبرد قرار می گیرد. بنابراین در چنین حالتی اگر اعلام جنگ هم نشود این دو در میدان جنگ قرار خواهند گرفت.

ش: در متن مصوبه آمده است که لایحه تروریست بودن سپاه پاسداران الزام آور نیست. معنی این چیست و برای اینکه به قانون تبدیل شود و به عبارتی الزام آور شود هنوز چه قدم‌هایی باید برداشته شود؟

امیراحمدی: ببینید این مصوبه لایحه قانونی به آن شکل نیست یعنی بیشتر یک نظر سنجی است. اما نکته اینجاست که این امر اصلاً اهمیتی ندارد. برای اینکه سپاه پاسداران یا هر سازمان دیگری به عنوان تروریست در لیست وزارت خارجه آمریکا ثبت شود، نیاز به مصوبه و قانون گذاری نیست. همانقدر که این بحث در مجلس قانون گذاری مطرح می شود و در باره آن واقعی وسیع به عمل می آید خود مسأله انگیز می شود.

ببینید در رابطه با القاعده، اسامه بن لادن و دیگران نیز لایحه‌ای از مجلس عبور نکرده است. حزب الله و حماس نیز مشمول هیچ لایحه ویژه‌ای در این رابطه نشده‌اند. این سازمانها طبق موازین وزارت خارجه در لیست سازمانهای تروریستی قرار گرفته و در جنگ علیه تروریسم دشمن آمریکا محسوب می شوند.

ش: آیا می توانم از گفته شما این برداشت را داشته باشم که تصویب لایحه مورد بحث هیچ تاثیر عملی ندارد و فقط جنگ روانی محسوب می شود؟

امیراحمدی: خیر! من این را نگفتم. گرچه جنگ روانی یکی از اهداف این لایحه به حساب می آید اما همانطور که پیشتر گفتیم زمینه سازی برای برخورد نظامی یک هدف واقعی این کار محسوب می شود. جنگ روانی به راحتی به میدان برخورد نظامی فرامی رود.

اتفاقاً از نظر من هدف دوم که آن را به عنوان آماده سازی زمینه جنگ عنوان کردم، هدف مهم تر است.

از سوی دیگر نمی فهمم تاثیر عملی دارد یا ندارد یعنی چه. وقتی کنگره و سنا اعلام می کنند که سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی است و وزارت خارجه هم آن را در لیست خود بگنجانند دیگر این امر صورت گرفته است.

- تصویب لایحه در مجلس اسلامی "بچه بازی است ... بیخود است. این جمهوری اسلامی گاهی نمی داند چگونه عکس العمل نشان دهد"

- آمریکا که در عمل و در نظر با تروریسم جهانی در نبرد

ش: منظور من از تاثیر عملی همان چیزی است که شما الان به آن اشاره می کنید یعنی اینکه آیا این مصوبه موجب خواهد شد که سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی وزارت خارجه آمریکا قرار بگیرد یا خیر؟

امیراحمدی: ببینید این بحث اصلاً از وزارت خارجه شروع شد. خانم کاندالیزا رایس در ملاقات با همتهای اروپایی خود به آنها گفته بود که آمریکا چنین قصدی در باره سپاه پاسداران دارد. تازه پس از آن بود که کنگره برای حمایت از نظر وزارت خارجه لایحه‌ای را تصویب کرد. اهمیت قضیه هم در همین است که بحث از دستگاه اجرایی شروع شد و سپس مورد تأیید مجلس ها قرار

گرفت.

ش: بگذارید لحظه‌ای صحنه سیاست در ایالات متحده را ترک کنیم. مجلس شورای اسلامی هم مصوبه‌ای مشابه داشت ...

امیراحمدی: بچه بازی است ... بیخود است. این جمهوری اسلامی گاهی نمی‌داند چگونه عکس العمل نشان دهد. در نتیجه این اتفاقات می‌افتد. به خاطر می‌آورید وقتی که آمریکا شروع به انگشت‌نگاری از ایرانیان کرد، جمهوری اسلامی هم تصمیم مشابه‌ای گرفت. بعد هم اصلا معلوم نشد چه شد.

این‌ها حرکتی هستند که جنبه تبلیغی آنها بسیار مهم است و جمهوری اسلامی که دستگاه تبلیغاتی ندارد تا از این مسائل استفاده کند در مقابل آمریکا در این عرصه تمام توان را دارا است.

من به شما قول می‌دهم خارج از ایران اصلا کسی متوجه نشد مجلس ایران چنین کاری [تصویب لایحه تروریست بودن ارتش آمریکا و سازمان سیا] کرده است. کسی به آن اهمیت نمی‌دهد، اصلا یک شاهی ارزش ندارد. اصلا کسی نه می‌شنود و نه گوشش بدهکار است. برایشان مهم نیست.

تازه همانطور که اشاره کردم این مهم نیست که چه کسی چه می‌گوید. مهم این است که هر کس در پس گفته‌اش در عمل چه می‌تواند از پیش ببرد. خوب ایران بگوید ارتش آمریکا تروریست است. خوب که چی؟ یعنی ایران با تروریسم در نبرد است پس حالا ارتش آمریکا در خطر قرار گرفته است؟ خیر. ایران می‌گوید ارتش آمریکا تو تروریست هستی و مثل دیگر تروریست‌ها با تو هم کاری ندارم.

در مقابل وقتی آمریکا می‌گوید فلان سازمان تروریست است راه می‌افتد و آن را می‌زند. فراموش نکنید این نه ایران بلکه ایالات متحده است که سیاست خارجه خود را بر مبنای جنگ با تروریسم تعریف کرده است.

است خود بخود با جمهوری اسلامی هم در نبرد قرار می‌گیرد

- جنگ روانی موجود به راحتی به میدان برخورد نظامی فرماید

- خوب ایران بگوید ارتش آمریکا تروریست است. خوب که چی؟ ایران می‌گوید ارتش آمریکا تو تروریست هستی و مثل دیگر تروریست‌ها با تو هم کاری ندارم.

- فراموش نکنید این نه ایران بلکه ایالات متحده است که سیاست خارجه خود را بر مبنای جنگ با تروریسم تعریف کرده است.

- در اینجا سیاستمداران یک گروه ناسیونالیست‌های اسرائیلی هستند و یک گروه دیگر ناسیونالیست‌های آمریکایی.

ش: بگذارید به صحنه سیاست در آمریکا باز گردیم. دمکرات‌ها می‌گویند موافق خروج نیروها از عراق هستند. آنها بعضا علیه حمله به ایران موضع می‌گیرند اما به لایحه‌ای که به نظر شما هدف اصلی آن زمینه سازی برای حمله به ایران است رای مثبت می‌دهند تا جایی که لایحه مذکور بیش از سه چهارم آرای مجلسی را که دمکرات‌ها در آن اکثریت را دارند، می‌آورد. آیا این تناقض نیست؟ خانم هیلاری کلینتون از جمله رای دهندگان به این لایحه بود.

امیراحمدی: این دیدگاه بر یک پیش فرض غلط استوار است. ببینید. دعا با ایران حزبی نیست. اینکه یک عده دمکرات خواهان مذاکره و یک عده جمهوری‌خواه خواهان جنگ هستند غلط است. الان بزرگترین طرفدار حمله آمریکا به ایران جوزف لیرمن است که تمام عمرش دمکرات بوده است.

من در اینجا سیاستمداران را به دو گروه عمده بخش می‌کنم. یک گروه ناسیونالیست‌های اسرائیلی هستند و یک گروه دیگر ناسیونالیست‌های آمریکایی. برای گروه دوم که منافع ملی آمریکا بر منافع ملی دیگر کشورها از جمله اسرائیل تقدم دارد حمله به ایران مطابق با منافع آمریکا تعریف نمی‌شود و در نتیجه مردود است. برای گروه اول اما برای گروه دیگر منافع اسرائیل تقدم دارد و این گروه نفعی در مذاکره با ایران نمی‌بیند. در هر دو گروه نیز دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان حضور دارند.

در مورد خانم کلینتون بگویم که ایشان خانم دوز و کلک باز و بی چشم و رویی است. او با جنگ با عراق موافقت کرد و حالا که می‌بیند کار خراب شده است، طرفدار صلح شده است. حتی امروز هم ایشان موافق صددرصد خروج نیروها از عراق نیست و دارد یکی به میخ و یکی به نعل می‌زند. ایشان در مورد ایران نیز از همین منش پیروی می‌کند. او همواره همچون جرج بوش تاکید کرده است که جنگ با ایران به عنوان یک گزینه روی میز قرار دارد. او آخرین بار همین دیروز بر این موضع تاکید کرد.

ش: با توجه به گستردگی عرصه نفوذ سپاه در ایران، قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی چه تاثیری برای مردم خواهد داشت؟

امیراحمدی: اصولا تمام فشارهایی که از خارج به دولت‌ها وارد می‌شود، اینها به نوبه خود آن را به مردم منتقل می‌کنند. در مورد سپاه هم این مساله مستثنی نیست. ممکن است سپاه در نتیجه افزایش فشار کشور را بگیرد و حکومت نظامی اعلام کند. ممکن است دست به نابودی نیروهای روشن تر بزند. شما فکر نکنید وقتی که سپاه در آن لیست قرار گرفت، فرماندهانش بگویند خوب بفرمایید این قدرت و ما کنار می‌رویم. خیر اینها یک عده افرادی هستند که به دنبال قدرت و ثروت هستند و به راحتی قدرت را از دست نمی‌دهند. از طرف دیگر عده‌ای ایندولگ هستند که خود را پاسدار حکومت و انقلاب می‌دانند. واقعیت این است که اثر این امر برای مردم ایران منفی، منفی و منفی خواهد بود. همه باید مخالف چنین اقدامی باشند.

ش: آیا شما خود سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی می‌دانید؟

امیراحمدی: خیر! اصلا! به نظر من سپاه نیرویی است که اذیت می‌کند، دخالت‌های بیجا می‌کند. مدیریت غلط دارد. کارهایی می‌کند که نباید بکند. یک نیروی انقلابی است. یک نیروی جنگجو است اما از اینجا وارد بحث تروریست بودن آن شویم، گام بزرگ و خطرناکی است. شما اگر سپاه را تروریستی بدانید باید جمهوری اسلامی را هم تروریستی بدانید و کل انقلاب را تروریستی بدانید. شما می‌توانید مخالف حکومت و انقلاب باشید. من خود با بسیاری از سیاست‌های آنها با بسیاری از رهبران جمهوری اسلامی مخالف هستم اما از اینجا تا تروریست خواندن آن فاصله زیادی است و با هیچ منطقی جور در نمی‌آید.

ش: به طور گسترده ادعا می‌شود که ترور رهبران اپوزیسیون ایران در دهه 1370 در اروپا، کار سپاه قدس بوده است. آیا این از سپاه یک نیروی تروریست نمی‌سازد؟

امیراحمدی: این درست مثل این است که بگویید چون موساد رهبران فلسطینی‌ها را کشته است پس تروریست است. دولت آنها نیز چنین کرده، سازمان سیا هم چنین کارهایی کرده. ببینید این دولت [جمهوری اسلامی] از سایه خودش می‌ترسد و دشمنانش را می‌کشد و تنها دولتی هم نیست که چنین عمل می‌کند. دولت‌های قبلی هم چنین کرده‌اند. تروریسم تعریف مشخصی دارد و نباید به این سادگی به هر نیرویی آن را اطلاق کرد.

آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی از شما سپاسگذاریم

<http://www.iranian-iranian.org> ((1))

این گفت و گوی تلفنی در تاریخ 11 اکتبر 2007 صورت گرفته است

بازگشت به صفحه اول

بازگشت به صفحه قبلی

(0) نظرات ارسال شده